

### مطالعه تأثیر باز آفرینی شهری بر توسعه سرمایه اجتماعی (نمونه موردی: پیاده راه عالی قاپو اردبیل)

محسن علایی بوسجین<sup>۱</sup>

#### چکیده

بازآفرینی شهری به عنوان یک واژه عام که مفاهیم دیگری نظیر بهسازی، نوسازی، بازسازی، توانمندسازی و روان بخشی بافت های فرسوده را در فضاهای عمومی شهری در بر می گیرد، به کار می رود. از طرفی فضای شهری بستری مناسب برای فعالیت های شهری و مکانی برای تعاملات اجتماعی و زمینه ساز شکل گیری و توسعه سرمایه اجتماعی به شمار می آیند. توسعه سرمایه اجتماعی موجب تقویت ارزش هایی مانند همبستگی، یکدلی، اتحاد، همکاری و مشارکت همگانی می شود هدف این مقاله مطالعه تأثیر بازآفرینی شهری بر توسعه، پیشرفت و ارتقای سرمایه اجتماعی، با بررسی نمونه موردی باز آفرینی پیاده راه عالی قاپو در شهر اردبیل می باشد. در این مرحله، ابتدا داده های مورد نیاز با استفاده از روش مطالعاتی پیمایشی و از طریق تکنیک پرسشنامه (دو پرسشنامه محقق ساخته، یکی پرسشنامه سرمایه اجتماعی و دیگری پرسشنامه بازآفرینی شهری)، از جامعه آماری منتخب جمع آوری شده، پس از دسته بندی و استخراج، با روش های معمول آماری و استفاده از نرم افزار SPSS، مورد سنجش و تحلیل دقیق علمی قرار گرفتند. جامعه آماری این تحقیق، با مصاحبه از افراد بالای ۱۸ تا ۶۰ سال، با اشکال مختلف اشغال فضا مانند استفاده، سکونت و کار در پیاده راه عالی قاپوی اردبیل و در فصول بهار و تابستان سال ۹۹-۱۳۹۸ انتخاب شده است. انتخاب ۱۳۰ نمونه با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی صورت گرفته است. نتایج تحقیق نشان می دهد که بازآفرینی شهری پیاده راه عالی قاپو در اردبیل بر توسعه سرمایه اجتماعی تأثیر مثبت و معنی داری دارد.

**واژگان کلیدی:** بازآفرینی شهری، توسعه سرمایه اجتماعی، پیاده راه عالی قاپوی اردبیل.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۷/۰۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۸/۱۹

<sup>۱</sup> استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (Email: m.alaei@pnu.ac.ir)

## مقدمه و بیان مسئله

انسان ها در آشفتگی شهرهای امروز، به دنبال عرصه هایی با هویت های ویژه هستند تا علاوه بر تأمین آسایش و تعامل باهمنوعان، در بستر پویایی اجتماعی به کمال متعالی خود نائل شوند. رشد فزاینده ابعاد شهرنشینی و شکل گیری مقیاس جدیدی از رشد شهری در طی دهه های اخیر موجب شده است که شهر و شهرسازی معاصر با چالش های تازه ای چون افزایش نابهنجاری های اجتماعی، کم رنگ شدن هویت و حس تعلق اجتماعی و در مجموع کاهش کیفیت زندگی مواجه شود (عبداللهی، ۱۳۸۹: ۸۳). شهر برای لغبور حاوی سه مفهوم مرتبط است: فضا، زندگی روزمره و بازتولید روابط اجتماعی سرمایه داری. شهر زمینه فضایی عام است که از طریق آن روابط تولید در تجربه روزمره مردم: بازتولید می شود (افروغ: ۳۲-۳۱، ۱۳۷۷). رفتار انسان در شهر، وابسته به میزان درک و شناخت او نسبت به محیط است. پدیده ادراک، فرآیندی ذهنی است که در طی آن تجارب حسی، معنی دار می شود و از این طریق، انسان روابط امور و معانی اشیا را در می یابد (ایروانی و خداپناه: ۱۳۷۱، ۲۵). هنگامی که انسان سعی می کند فضای شهری را درک کرده، با آن تعامل کند و راه خود در آن بیابد؛ در حقیقت به این معناست که ذهن وی تلاش می کند تصویری روشن، به هم پیوسته و منسجم از کل شهر تهیه کند. یکی از عوامل شکل دهنده ی این تصویر، فضاهای فرهنگی هستند (بنتلی، ۱۳۸۵: ۱۱۵). هدف طراحی شهری تنها زیباسازی سکونتگاههای انسانی نیست بلکه این فرایند امکان تعامل بهتر میان مردم و نیز مردم و محیط زندگی شان را فراهم می آورد و یک طراحی شهری خوب به کیفیت کلی زندگی در یک شهر کمک می کند. بدین ترتیب طراحی شهری تنها یک فرایند طراحی فیزیکی نیست بلکه ایجاد یک تعادل میان فاکتورهای سیاسی، فرهنگی و نیز فیزیکی که بر فضاهای شهری تأثیر می گذارند. فضای اجتماعی در نظر لغبور، آن چیزی است که در بطن تجربه انسان ها در زندگی روزمره و فرهنگ حاکم بر آن شکل می گیرد (Lefebvre: 1993, 156). لغبور با تفکیک فضای اجتماعی و فضای فیزیکی نقش فرهنگ و شیوه زندگی انسان ها را در این مفهوم بسیار پررنگ کرده و از همین زاویه شهر را به عنوان یک فضا در ابعاد مختلف مورد واکاوی و تحلیل قرار می دهد. شهردیگر تنها فضایی برای سکونت نیست، بلکه به تعبیر لغبور، بازتابی از جامعه و روابط اجتماعی است که روی زمین به تصویر کشیده شده است (merrifield, ۱۰۸-۱۱۱) باز آفرینی یعنی تولید سازمان فضایی جدید منطبق بر شرایط تازه و ویژگی های نو که همگی در ایجاد روابط شهری جدید و یا تعریف دوباره روابط شهری کهن یا موجود مؤثر می افتد (حیسی، مقصودی: ۲۳، ۱۳۸۶). در این رویکرد توجه به حفظ ارزش های فرهنگی و حفظ ثروت های بومی و تاریخی، انتقاد از ساخت و سازهای دارای یک نوع کاربری به جای کاربری های متعدد، توجه به اقدامات کیفی به موازات اقدامات کمی، مشارکت گروه های اجتماعی در فرایند بازآفرینی و غیره مشهود می باشد. فاکتورهای مؤثر بر تعاملات اجتماعی افراد براساس منافع خود، ارتباطات اجتماعی را شکل داده و براساس توقعات، هنجارها و نقش های معین خود، به آن می پردازند؛ بنابراین، نحوه حضور فرد در مکان به همراه دیگران، عاملی قوی در تصمیم فرد برای ماندن در آن است. در این راستا، حتی ممکن است افراد در جست و جوی مکان هایی که در آن، افرادی با خصوصیات مشابه آن ها به لحاظ طبقه، قوم، مذهب، گروه اقتصادی، الگوی زندگی، تحصیلات، درآمد، نحوه تربیت کودکان و نژاد مشابه حضور دارند، بشناسند. با آنکه همگن بودن افراد، مشوق ملاقات و افزایش تعامل با مکان های فیزیک و اجتماعی و در نتیجه، ارتقای دلبستگی به آن مکان است، در عین حال مکان های اجتماعی غیرهمگن نیز فرصتی است تا افراد باهم بودن و تعاملات اجتماعی غنی و آزاد را تجربه کنند (Marcus, 1986). در باز آفرینی شهری توسعه شهری به مفهوم رشد کمی عناصر کالبدی شهر برای اسکان جمعیت و ارتفاع کیفیت زندگی در قالب طرح های توسعه شهری رخ خواهد داد. توسعه درونی شهری در حقیقت بکارگیری توان های بالقوه و بالفعل موجود در برنامه ریزی های شهری تلاش در جهت ایجاد تعادل در نحوه توزیع کمی و کیفی جمعیت، هماهنگی میان بنیان های زندگی شهری و استفاده از مشارکت و پویای اجتماعی مردم و غیره است (آیثنی، ۱۳۷۸: ۴۰۷). توسعه شهرنشینی تأثیرات قابل

توجهی بر بافت های قدیمی و تاریخی بر جای گذاشته است. هسته قدیمی و تاریخی شهر ها برای اسکان جمعیت زیادی که غالباً مهاجران سال های اخیر می باشند پیوسته دچار تغییر شکل شده که خود تخریب و فرسودگی بافت های مذکور را به همراه داشته است. بافت های قدیمی و فرسوده بافت هایی هستند که در فرآیند زمان طولانی شکل گرفته و تکوین یافته و امروزه در محاصره تکنولوژی عصر حاضر گرفتار شده اند. اگرچه این بافت ها در گذشته به مقتضای زمان دارای عملکرد منطقی و سلسله مراتبی بودند ولی امروز از لحاظ ساختاری و عملکردی دچار کمبودهایی بوده و اغلب جواب گوی نیاز ساکنین خود نمی باشند (حیسی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۶). در واقع، فضاهای عمومی شهرها، با دارا بودن ظرفیت های بالقوه در مرحله نخست، این فرصت برابر را جهت ایجاد و برقراری انعقاد کنش های اجتماعی (هرچند شکننده و ناپایدار) در اختیار همه شهروندان قرار می دهند. در مرحله بعد پس از اولیة تعامل اجتماعی، تفاوت های موجود در سطوح اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که پدیدآورنده الگوهای رفتاری متنوع است، زمینه ساز ایجاد روابط اجتماعی منسجم و پایدار خواهند شد (قنبران، ۱۳۸۴: ۲۰۴). بازآفرینی شهری می تواند ابزاری مؤثر برای توسعه پایداری و تقویت سطح کیفیت زندگی باشد؛ چنانچه اصول تشویق به مشارکت ساخت شخصیت اجتماعی، پیشرفت عدالت، ارتقای محیط، حیات بخشی و تقویت رشد اقتصادی متعاقب آن قابل مشاهده باشند (Ng, M. K., 2005). در ادبیات اخیر دنیا، واژه "بازآفرینی شهری" به عنوان یک واژه عام که مفاهیم دیگری نظیر بهسازی، نوسازی، بازسازی، توانمندسازی و روان بخشی را در برمی گیرد، به کار می رود. بازآفرینی شهری فرآیندی است که به خلق فضای شهری جدید با حفظ ویژگی های اصلی فضایی (کالبدی و فعالیتی) منجر می شود. در این اقدام، فضای شهری جدیدی ایجاد می شود که ضمن شباهت های اساسی با فضای شهری قدیم، تفاوت های ماهوی و معنایی را با فضای قدیم به نمایش می گذارند (Habibi et al., 2007, p.5). رویکرد بازآفرینی شهری به این نتیجه رسیده است که برای اجرای موفق پروژهای بازآفرینی به مهار قدرتها و بستن نیروها، منابع و ذخایر انرژی، ابتکار عمل جوامع محلی، رویکرد از پایین به بالا به قصد بنا نهادن سرمایه اجتماعی و مشارکت جوامع محلی به صورت خودیاری در توسعه نیاز می باشد (McDonald et al., 2009). جین جکوبز (۱۹۶۱) در زمینه بافت های فرسوده و قدیمی و در اصطلاح وی "بافت های مسئله دار مزمن" به اصل روابط انسانی همسایگی و موضوع خودترمیمی و مشارکت مردم در امر بهسازی و بازآفرینی تأکید داشت (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۱۲۸) بر این اساس وظایف فضای عمومی و بازآفرینی این فضاها را در شهر ها را می توان ابزاری جهت ارتباطات و مراودات شبکه های اجتماعی یا مکانی برای رویارویی و مراسم شهروندی و مدیریت و هماهنگ سازی فعالیت های شهروندی بیان کرد. به بیان دیگر، فضای شهری ظرف فعالیت های شهری و بستری برای تعاملات اجتماعی و زمینه ساز شکل، گیری سرمایه اجتماعی به شمار می آیند (Gehl, 1987). سرمایه اجتماعی آن دسته از ویژگی های زندگی اجتماعی، شبکه ها، هنجارها، و اعتماد است که مشارکت کنندگان را قادر می سازد تا به شیوه ای مؤثرتر اهداف مشترک خود را تعقیب نمایند. شبکه ها، هنجارها و اعتماد نزد پاتنام سه پایه اصلی سرمایه اجتماعی را تشکیل می دهند. وی معتقد است هرچه اعتماد در جامعه ای بالاتر باشد، احتمال همکاری هم بیشتر خواهد بود (فتحی نیا و حاج محمدیاری، ۱۳۸۶: ۲۰۰). توسعه سرمایه اجتماعی موجب تقویت ارزش هایی مانند همبستگی، یکدلی، اتحاد، همکاری و مشارکت همگانی می شود. ارزش این شاخص ها زمانی آشکار می شود که سازمان در تعاملات خود، ملزم به رعایت الگوهای تعهد باشد و با انتظارات گسترده برای تثبیت تعاملات، به صورت دوسویه و همراه با برابری و مساوات مواجه باشد (adler & kwon, 2002: 20). بطور کلی عوامل مهم که در زوال سرمایه اجتماعی نقش تأثیر گذاری دارند معطوف به کم رنگ شدن ارتباطات اجتماعی، جایگزین شدن ابزارها و شبکه های مجازی و ارتباطی، گسست هویت های ملی، فرهنگی، دینی و هویت های بومی و منطقه ای است. تئوری های رشد و توسعه نتوانستند تفاوت کشورها در رشد را بیان کنند ولی با کمک سرمایه اجتماعی که حلقه مفقوده این تئوری ها بود، این تفاوت ها به خوبی روشن شده است. انسجام، شبکه روابط، اعتماد و مشارکت، چارچوب هایی هستند که بایستی محتوای آن را با توجه به شرایط هر کشور که نیازمند توسعه

است، تعریف و اجرایی نمود. در دیدگاه های سنتی مدیریت توسعه، سرمایه های اقتصادی، فیزیکی و نیروی انسانی مهم ترین نقش را ایفا می کردند اما در عصر حاضر برای توسعه بیشتر از آنچه به سرمایه اقتصادی، فیزیکی و انسانی نیازمند باشیم به توسعه سرمایه اجتماعی نیازمندیم زیرا بدون این سرمایه، استفاده از دیگر سرمایه ها به طور بهینه انجام نخواهد شد. اگر توسعه را به چهار پایه ای استوار تشبیه کنیم، می توان این پایه ها را عبارت از سرمایه اقتصادی، سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی و سرمایه نمادین تلقی کرد که نگهداشت سقف این پدیده (یعنی توسعه)، نیازمند وجود هر چهار پایه آن است. توسعه سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از ارکان مهم توسعه در جامعه محسوب می شود، بنابراین شناخت و بررسی پدیده هایی که بر توسعه سرمایه اجتماعی تأثیرگذار می باشد بسیار ضروری به نظر می رسد. مشارکت اجتماعی، تعاون و نیز اعتماد در فرایند تحقق اهداف بازآفرینی شهری حلقه اتصالات عواطف انسانی و ارتباطات شهروندان در محیط اجتماعی می باشد، مشارکت اجتماعی در گرو مشارکت شهروندی می باشد. برهم خوردن انسجام بافت های شهری و رشد حاشیه نشینی از دلایل کاهش مشارکت مدنی و پیوندهای اجتماعی می باشد. این امر به نوبه خود باعث کاهش و ضعف سرمایه اجتماعی می شود. در شرایط ضعف سرمایه اجتماعی، قدرت حداکثری جمعی از بین خواهد رفت همچنین پیوند ها و انسجام اجتماعی استحکام خود را از دست خواهد و نیز امکان بلوغ و شکوفایی استعداد ها و تکامل و توسعه فردی و اجتماعی به وجود نخواهد آمد (رنانی، تحقیقی: ۲۰-۲۹؛ ۱۳۸۲). ضرورت پرداختن به مسئله بازآفرینی شهری برای توانمند سازی سرمایه اجتماعی از این رو اهمیت وافری دارد که این امر می تواند باعث ارتقاء تعاملات و ارتباطات اجتماعی در میان شهروندان شود همچنین موجب افزایش حس حضور شهروندان در عرصه های مختلف شهری و تقویت حس تعلق افراد جامعه به فضاهای شهری و نیز برطرف شدن نیازهای عاطفی شهروندان از فضاهای عمومی و شهری شود. از این رو توجه به مسئله توسعه سرمایه اجتماعی بسیار مهم و ضروری به نظر می رسد. یکی از حلقه های مفقوده شهرسازان در جامعه کنونی فضای پیاده راه در شهرهاست. مهندسان شهرسازی بیشتر به فضاهای عبور خودرو و تسهیل ترافیک شهری متمرکز شده اند. این تمرکز بی جا باعث شده که در سیاست گذاری شهری به انسان و نیازهای انسانی توجهی نشود. پیاده راه ها محل حضور همه شهروندان و مشارکت آنان در زندگی جمعی شان می باشد. پیاده راه ها علاوه بر نقش ارتباطی و دسترسی، مکانی امن و راحت برای تماس اجتماعی، گردش و تماشا و نظایر این را فراهم می آورد. از این رو شهروندان به تدریج به حضور در شهر و انجام فعالیت های مدنی عادت کرده و زمان بیشتری را در فضاهای شهری می گذرانند و این به نوبه خود به بهبود و ارتقاء فرهنگ و عادات شهرنشینی، از جمله رعایت حقوق دیگران، مشارکت در جامعه، احساس مسئولیت در جامعه و اعتماد اجتماعی و غیره کمک شایانی می نماید. همچنین بازآفرینی چنین فضایی در شهرمزیت هایی همچون امنیت، ایمنی، احساس تعلق خاطر، آسایش، راحتی، جذابیت پیوند های اجتماعی، ارتباط با فضا، جنب و جوش و سرزندگی، همپیوندی و همبستگی، حس مکان، تداوم، افزایش رونق کسب و کار، جذب گردشگری و نیز مجال گفتگو برای شهروندان را فراهم می کند که همه این ها شاخص های مهمی از توسعه سرمایه اجتماعی می باشند. از جمله این پیاده راه ها که بازآفرینی شده است پیاده راه عالی قاپو در خیابان شیخ صفی در شهر اردبیل می باشد. مهم ترین آثار تاریخی شهر اردبیل از جمله بقعه شیخ صفی و گنبد معروف الله الله، موزه مردم شناسی و غیره در میدان عالی قاپو واقع شده است همچنین این قسمت از شهر، دارای بافت های فرسوده بسیاری بوده، که طی سال های گذشته مورد مرمت، نوسازی و بازآفرینی قرار گرفته اند. شهر اردبیل با توجه به ارزش زمین و الزامات فرهنگی در مناطق تاریخی و دارای بافت های فرسوده توجه به مقوله بازآفرینی شهری با در نظر گرفتن فرهنگ بومی منطقه در دستور کار ستاد بازآفرینی شهری قرار گرفته است. ایجاد هماهنگی و همنوایی بازآفرینی چنین مناطقی از شهر با مبانی زندگی اجتماعی مردم، برای ارتقای تعاملات و مراودات اجتماعی و مشارکت بیشتر شهروندان و در نتیجه توسعه سرمایه اجتماعی بسیار ضروری می نماید. از جمله اهداف مهم تحقیق مطالعه بازآفرینی شهری و تأثیر آن بر توسعه و ارتقای سرمایه اجتماعی می باشد. و نیز از هدف های دیگر تحقیق پاسخ به این سؤال

می باشد که آیا بازآفرینی شهری بر توانمندسازی سرمایه اجتماعی تأثیر دارد؟ و نیز آیا بازآفرینی شهری بر توسعه ی ابعاد سرمایه اجتماعی اعم از مشارکت اجتماعی، تعاون و اعتماد تأثیر دارد؟

### فرضیه های تحقیق

۱. به نظر می رسد بین بازآفرینی شهری و توسعه سرمایه اجتماعی رابطه وجود دارد.
۲. به نظر می رسد بین بازآفرینی شهری و بعد مشارکت اجتماعی (از ابعاد توسعه سرمایه اجتماعی) رابطه وجود دارد.
۳. به نظر می رسد بین بازآفرینی شهری و بعد تعاون و مشارکت مدنی (از ابعاد توسعه سرمایه اجتماعی) رابطه وجود دارد.
۴. به نظر می رسد بین بازآفرینی شهری و بعد اعتماد (از ابعاد توسعه سرمایه اجتماعی) رابطه وجود دارد.

### مفهوم شناسی

**بازآفرینی شهری:** بازآفرینی شهری فرآیندی است که به خلق فضاهای شهری جدید با حفظ ویژگی های اصلی فضایی (کالبدی و فعالیتی) منجر می گردد. بازآفرینی شهری، عبارت است از دید جامع و یکپارچه و مجموعه اقداماتی که به حل مسائل شهری بینجامد، به طوری که بهبود دائمی در شرایط اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و زیست محیطی بافتی که دستخوش تغییر شده را به وجود آورد (Roberts, 2000: 19).

**پیاده راه:** پیاده راه ها معابری با بالاترین حد نقش اجتماعی هستند که در آن ها تسلط کامل با عابر پیاده بوده و از وسایل نقلیه موتوری تنها به منظور سرویس دهی به زندگی جاری در معبر استفاده می شود. پیاده راهها ابزاری برای فعالیت جمعی به خصوص در ارتباط با اقتصاد شهری، کیفیت محیطی و سلامت اجتماعی اند (پاکزاد: ۱۳۸۴، ۲۷۴). همچنین یکی از راه های افزایش سطح تعاملات همین پیاده راهها هستند، زیرا زمینه گفتگو، همفکری و آشنایی شهروندان را فراهم می آورند. و این تعاملات موتور محرکه برای تقویت سرمایه اجتماعی هستند. در این پژوهش به نمونه موردی بازآفرینی پیاده راه عالی قاپو با نام محلی علاقای می پردازیم، که در خیابان شیخ صفی اردبیل واقع شده است.

**توسعه سرمایه اجتماعی:** سرمایه اجتماعی آن دسته از ویژگی های زندگی اجتماعی، شبکه ها، هنجارها، و اعتماد است که مشارکت کنندگان را قادر می سازد تا به شیوه ای مؤثرتر اهداف مشترک خود را تعقیب نمایند. شبکه ها، هنجارها و اعتماد نزد پاتنام سه پایه اصلی سرمایه اجتماعی را تشکیل می دهند. وی معتقد است هرچه اعتماد در جامعه ای بالاتر باشد، احتمال همکاری هم بیشتر خواهد بود (فتیحی نیا و حاج محمدیاری، ۲۰۰۶: ۱۳۸۶). به واژه سرمایه اجتماعی ابتدا در حوزه مطالعات اجتماعی توجه شد. سپس مباحثی با تأکید بر استفاده از شبکه های قوی و توسعه روابط شخصی برای بقا و ارتقای عملکرد محلات مطرح شد که مبنایی برای اعتماد، همکاری و اقدام جمعی در چنین جوامعی ارائه می داد (nahapiet & ghoshal 1998: 243). سرمایه اجتماعی شامل منابعی در اجتماعات محله ای است که از طریق میزان بالایی از اعتماد، عمل و کنش متقابل، هنجارهای مشترک، تعهدات و التزامات و تعلقات مشترک، شبکه های رسمی و غیر رسمی، و کانالهای مؤثر اطلاعاتی پدید می آید. از این سرمایه ممکن است افراد و گروه ها، برای آسان نمودن فعالیت ها به منظور منفعت رساندن به افراد و گروه ها و اجتماع، استفاده کنند (Kay, 162, 2005). هرچه سرمایه اجتماعی (به عنوان یکی از ارکان توسعه) در یک جامعه بیش تر باشد. مؤلفه های این پدیده در آن جامعه، بیش تر به چشم خواهد آمد و چرخ بهره وری در آن جامعه (سازمان)، با سرعت و کیفیت مطلوب تری حرکت خواهد کرد. مطالعات نشان داده، جایی که افراد، مورد اعتماد یکدیگر بوده و در جوامع خود، فعالانه با یکدیگر به تعامل و مشارکت می پردازند، هزینه های کسب و کار، تجارت و فعالیت های اجتماعی و سیاسی کم تر است و انتقال دانش و آگاهی از فردی به فرد دیگر آسان تر صورت می گیرد. به این ترتیب می توان گفت سه مؤلفه سرمایه اجتماعی (با تأکید بر سه شاخص «تعاون»، «اعتماد» و «مشارکت») قاعده مند و معمولاً خود تقویت کننده و خودافزاینده هستند و اگر تجدید نشوند از بین می روند و جامعه را به قهقرا می برند. برای فهم بهتر سنجه های اصلی و فرعی سرمایه اجتماعی که در بالا اشاره شده است، می توان گفت که مثلاً افزایش تعاون

و همیاری (شوق دستگیری و رفع خلأ دیگران) باعث تقویت «اعتماد» (حُسن ظن دیگران نسبت به ما) می‌شود و تقویت «اعتماد» باعث تشدید «مشارکت» (نقش‌پذیری ما و دیگران در جامعه) می‌گردد و مشارکت بازهم بر همیاری اثر مثبت می‌گذارد و این چرخه توسعه‌ساز، در صورت رعایت رویه‌ها و فرایندهایش، بصورت مداوم در حال حرکت خواهد بود و جامعه را در برابر انواع تحولات، پایا و ماندگار کرده و دستیابی به توسعه را برایش آسان می‌نماید. (رنانی، تحقیقی: ۲۰-۲۹؛ ۱۳۸۲) در این تحقیق سه بعد مشارکت اجتماعی، تعاون، اعتماد از ابعاد سرمایه اجتماعی را در همبستگی با بازآفرینی شهری مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است.؛

**مشارکت اجتماعی:** مشارکت اجتماعی، فرآیند اجتماعی عمومی، یکپارچه، چندگانه، چندبعدی چندفرهنگی است که هدف آن کشاندن همه مردم به ایفای نقش در همه مراحل توسعه است (گائوتری: ۳۷، ۱۹۸۶).

**تعاون (مشارکت مدنی):** تعاون طریقه‌یی برای فعالیت‌های جمعی است که مجموعه‌یی از شیوه‌های رفتاری ساختاری از اصول و مبانی برای راهنمایی زندگی فردی و اجتماعی انسان‌هاست. تعاون ترکیبی از خودیاری و کمک متقابل است که گرایش آن در جهت بناگذاری ارزش‌های جهانی است. اصول تعاون دستورالعمل‌هایی هستند که نشان می‌دهد، مشارکت مدنی چگونه ارزش‌های اخلاقی را در فعالیت‌های اقتصادی عملی می‌کنند. این اصول به گونه‌یی تنظیم شده‌اند که بسیج و سازمان‌دهی انواع سرمایه (سرمایه اقتصادی، سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی) را فراهم می‌کند. عضویت و مشارکت در نهادهای مدنی یکی از جنبه‌های مهم سرمایه اجتماعی است که تولیدکننده پیوندهای یکپارچگی اجتماعی و پایه‌های جامعه مدنی محسوب می‌شوند. تشکلات داوطلبانه، سازمان‌های اجتماعی‌ای هستند که عضویت در آنها کاملاً به اختیار افرادی است که در این گونه فعالیت‌های گروهی شرکت می‌کنند تا به اهداف مشترکی دست یابند. سازمان‌های داوطلبانه پیوندهای مشترک و شبکه‌های اجتماعی تولید می‌کنند که کل افراد جامعه را به هم پیوند داده و میان اعضا این سازمان‌ها پیوندهای اجتماعی برقرار می‌کنند (رستمی: ۱۵-۱۳۰؛ ۱۳۸۹).

**اعتماد:** اعتماد اجتماعی صورتی از روابط اجتماعی است که رابطه متقابل، انتظارات و اقدام به کنش مساعد جوهر و محتوای آن را تشکیل می‌دهند. اعتماد اصل بنیادی در ارتباطات انسانی است و مهم‌ترین انگیزه‌یی است که افراد را به داشتن ارتباطات دوسویه یا چندسویه تشویق می‌کند زیرا اعتماد شرط اولیه ایجاد ارتباط پایدار است که مبنای همکاری و مشارکت و پیشبرد اقدامات مشترک را فراهم می‌سازد. اعتماد باعث پیوند و افزایش همبستگی اجتماعی می‌شود و هرچه درجه اعتماد در جامعه افزایش یابد، میزان انسجام اجتماعی افزایش می‌یابد. از منظر سرمایه اجتماعی، اعتماد موجب آمادگی افراد برای پذیرش ریسک می‌شود و براساس اعتمادی که به دیگر افراد اجتماع دارد، ظرفیت او را برای مواجه شدن در موقعیت ریسک‌ها و قابلیت زیستن در شرایط آزمون و خطا افزایش می‌دهد زیرا چنانچه خطری آنها را تهدید کند، اطمینان دارند که پشتیبانی لازم از سوی سایر افراد جامعه از آنها به عمل خواهد آمد. اندیشمندان اجتماعی، اعتماد را حسی می‌دانند که منجر به تعاون و همکاری می‌شود و فقط در این حالت است که انسان در عین تفاوت‌ها، قادر به حل مشکلات خواهد بود. اعتماد اجتماعی، چیزی نیست که به سادگی یا به اجبار بر روابط و تعاملات اجتماعی حاکم شود، بلکه افراد در درون شبکه‌های اجتماعی و شناخت اولیه به یکدیگر اعتماد می‌کنند و با استمرار تمایل و علاقه به مشارکت در شبکه‌ها، موجب تقویت اعتماد در روابط و تعاملات اجتماعی می‌شود. چنانچه اعتماد از حد فردی به سطح اجتماعی انتقال یابد، به عنوان یک سرمایه با ارزش تلقی می‌شود. این سرمایه موجب پایین آمدن سطح هزینه‌های تعاملات اجتماعی و اقتصادی و اقدامات مختلف می‌شود. افزایش اعتماد متقابل در یک کار گروهی به نحو قابل توجهی کارایی سیستم‌ها را بالا می‌برد و سهم مهمی در تسهیل فرایندهای سازمانی نظیر عقد قراردادهای، انجام مذاکرات و نظارت مستمر بر عملکرد واحدها دارد و تلاش در جهت افزایش آن می‌تواند، بسیاری از هزینه‌های مربوط به فعالیت‌های ذکر شده را کاهش و علاوه بر آن بهره‌وری سازمان گروهی را افزایش دهد. وقتی اعتماد به عنوان بنیادی‌ترین رکن سرمایه اجتماعی آسیب دید. به دنبال آن، مشارکت مدنی در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی نیز لطمه می‌خورد و بی‌مسئولیتی و بی‌تعهدی طرفین (دولت و ملت) بر جامعه غلبه می‌کند و

اجتماع را به فروپاشی اخلاقی و ساختاری، سوق می‌دهد. اعتماد، لازمه شکل‌گیری پیوندها و معاهدات اجتماعی و ایجادکننده تعاون و همیاری است. اعتماد، فرزند عدالت و والد امنیت است. «آنتونی گیدنز»، اعتماد و تأثیر آن بر فرایند توسعه را زیربنا و زمینه‌ساز اصلی در جوامع مدرن می‌داند؛ هر جا که سطح اعتماد اجتماعی بالا باشد، همیاری و مشارکت مردم در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی بیش‌تر و آسیب‌ها کم‌تر خواهد بود. به علاوه، هر چه شعاع محور اعتماد محدود به اعضای گروه باشد، احتمال بروز اثرات منفی در جامعه بیش‌تر است (رستمی: ۱۵-۱۳۰؛ ۱۳۸۹)

## مبانی نظری

### فوکومایا

فوکومایا معتقد بود که سرمایه اجتماعی متعلق به گروه‌ها است نه افراد و هنجارهایی که شالوده سرمایه‌ی اجتماعی را شکل می‌دهند در صورتی معنا خواهند داشت که بیش از یک نفر در آن‌ها سهیم باشد. به هر حال، گروهی که دارای سرمایه‌ی اجتماعی باشد ممکن است شامل دو دوست، یا یک سازمان و یا در مقیاس بزرگ‌تر، یک ملت باشد. اما نکته قابل توجه آن است که سرمایه اجتماعی، هم منفعت عمومی دارد و هم منفعت خصوصی و مانند سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی کاملاً تعویض‌پذیر نیست. از این روست که فوکومایا توسعه سرمایه اجتماعی را خیر عمومی هم برای اقتصاد و هم برای کل جامعه می‌دانست (فوکویا: ۱۳۸۶؛ ۳۰-۱۲۵).

### نقش دولت در ایجاد و توسعه سرمایه اجتماعی

از دیدگاه فوکومایا مهم‌ترین اقداماتی که می‌تواند توسط «دولت‌ها» به تقویت و توسعه سرمایه اجتماعی بینجامد، می‌توان به تشویق و تقویت تشکیل نهادهای مدنی؛ تقویت و غنی‌سازی آموزش‌های عمومی؛ تأمین امنیت شهروندان در جهت حضور داوطلبانه در نهادهای اجتماعی؛ پرهیز از تصدّی‌گری بخش‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و واگذاری فعالیت‌های مربوطه به نهادهای مردمی جهت جلب مشارکت آن‌ها در فعالیت‌ها؛ زمینه‌سازی برای ایجاد و تقویت نهادهای اجتماعی و شبکه‌های مبتنی بر اعتماد بین آحاد مختلف مردم؛ امتناع دولت از اتخاذ رویکردهای تمامیت‌خواهانه و پرهیز از تفسیرهای حداکثری برای نقش خود در مدیریت یک جامعه که موجب حجیم شدن دولت می‌گردد، و نیز تنگ نکردن عرصه بر احزاب، سمن‌ها و تشکلهای مدنی فعال و مستقل و تأمین آزادی اعضای آن، اشاره کرد (فوکویا: ۱۳۸۶؛ ۵۰-۱۲۰). طبق این تعریف فوکویاما نقش دولت را با تأمین امنیت شهروندان و جلب مشارکت آن‌ها که در این پژوهش یکی از راههای آن را ایجاد فضاهای تعاملاتی شهری ذکر کردیم، اساسی می‌داند. بنابراین با بازآفرینی فضای شهری و ایجاد پیاده راهها در فضاهای شهری توسط دولت، امکان توسعه سرمایه اجتماعی فراهم می‌شود.

**دیدگاه استفان کار:** استفان کار به تحقیق بر روی کارکرد و طراحی عرصه‌های عمومی می‌پردازد. او فضاهای عمومی رامکان آسودن مردم می‌داند که فراغتی را برای رهایی از اضطراب‌های زندگی روزمره فراهم می‌آورد (Carr et al., 1992). نقش روانی که فضاهای عمومی برعهده دارند، فراهم آوردن عرصه‌ای برای تعاملات اجتماعی و مکانی برای مشارکت فعال و اجتماعی با دیگران است. وی توجهات اخیر به فضاهای عمومی را از علاقه روز افزون مردم به فعالیت‌های خیابانی مثل دادوستد‌های خیابانی، غذا خوردن در بیرون از خانه، پیاده روی و دوچرخه سواری می‌داند. به نظر او عرصه‌های عمومی باید معنادار، دموکراتیک و نیز پاسخگو به این معنا که طراحی و مدیریت فضا به گونه‌ای باید باشد که نیازهای استفاده‌کنندگان را برآورده سازد. همچنین پنج نیاز اساسی مردم را که در عرصه عمومی باید به آن پاسخ گفت چنین می‌شمارد راحتی، آسودگی، مشارکت غیرفعال با محیط، مشارکت فعال، اکتشاف. با توجه به نظراستفان کار که فضای عمومی را مکان استراحت و تعاملات اجتماعی می‌داند، با توجه به این دیدگاه با بازآفرینی فضای عمومی در شهر می‌توان محلی برای ارتباطات، استراحت

و گذران اوقات فراغت افراد ایجاد کرد که این ارتباطات و تعاملات در نهایت منجر به توسعه و ارتقای سرمایه اجتماعی در بین آنان می شود.

**دیدگاه ویلیام وایت:** ویلیام وایت از جمله نخستین کسانی است که تحقیقات وسیعی در زمینه نحوه استفاده از عرصه های عمومی انجام داده است. او معتقد است حیات اجتماعی در عرصه های عمومی با کیفیت زندگی افراد و اجتماع رابطه تنگاتنگی دارد و می گوید "ما برای خلق مکانهای کالبدی که مشارکت و تعاملات اجتماعی را تسهیل نمایند دارای مسئولیت اخلاقی هستیم (Whyte, 1980) وایت بر این باور است که مردم نظر خود را با پاهایشان اعلام می کنند. آن ها از فضاهایی استفاده می کنند که در آن احساس راحتی کنند و به سهولت بتوانند در آن آمد و شد داشته باشند، در غیر این صورت آن را کنار می گذارند. به نظر او طراحی باید با درکی کامل از نحوه استفاده مردم از فضا و شیوه ای که آنها به استفاده از فضا علاقمند هستند صورت پذیرد. وایت ایجاد و بازآفرینی فضاهای شهری و مکان های عمومی را برای تسهیل مشارکت و تعاملات اجتماعی و در نهایت توانمند شدن و توسعه سرمایه اجتماعی را لازم می دانست.

**دیدگاه جان لنگ:** جان لنگ، معمار و طراح شهری، از جمله کسانی است که در تحقیقات خود به موضوع الگوهای تعامل اجتماعی و قابلیت های محیط ساخته شده پرداخته است. او این مسئله را از آن جهت حائز اهمیت می داند که تعامل اجتماعی و دلبستگی مردم با محیط های اجتماعی و ساخته شده رابطه تنگاتنگی دارد (لنگ: 179، 1381). از دید او اگر مردم به تماس اجتماعی نیاز داشته باشند، در هر محیطی زمینه آن را فراهم می آورند اما در بعضی از محیط ها این زمینه راحت تر به وجود می آید. در واقع نقش اصلی طراحان کمک نمودن به برقراری این ارتباطات و انجام راحت تر اتفاقاتی است که در فضا جریان دارد. قلمروهای عمومی یا نیمه عمومی در صورتی خوشایند هستند که استراحت و آسایش را تامین کنند. مسائلی چون فرهنگ و عادات اجتماعی نیز بر الگوهای تعامل افراد اثرگذار است. علاوه بر آن جزئیات طراحی و بالاتر از همه شیوه زندگی ساکنان، تراکم و نیاز به کمک های متقابل را نیز جزء این عوامل می داند. حفظ تعادل میان خلوت و تعاملات اجتماعی افراد در برقراری روابط اجتماعی میان افراد مهم است و اگر نیازهای اجتماعی مردم با احساس استقلال فردی حاصل از خلوت در تعادل قرار گیرد، روابط اجتماعی آسان تر می شود. نیاز اساسی امنیت از ضروریات طراحی فضاهای عمومی است و به طرق مختلف باید به آن پاسخ داده شود. از دیدگاه جان لنگ محیط های اجتماعی و بازآفرینی آنها می تواند باعث تعامل اجتماعی و دلبستگی مردم با محیط شود که این خود از شاخصه های اصلی سرمایه اجتماعی می باشد.

**دیدگاه براون و ورنر:** براون و ورنر، دلبستگی مکان را با سه عامل بیان کردند (۱) ویژگیهای گروهی و فردی کاربران مکان؛ (۲) میزان تماس و صمیمیت افراد در مکان (۳) میزان مشارکت در فعالیت های گروهی و مراسم جمعی (Brown & Werner, 1985) آن چه در این میان حائز اهمیت می باشد، آن است که، دریافت فضای اجتماعی مطلوب از سوی افراد، سبب افزایش رضایت و تشویق ارتباطات غیررسمی و مشارکت در فعالیت های اجتماعی (سرمایه اجتماعی) و در نتیجه سبب توسعه و بهبود دلبستگی به مکان در آنها می گردد. یافت شده که رضایت به مسکن مرتبط با کیفیت همسایگان است و آن نیز با سازگاری بیشتر تعریف می شود، تا دفعات تعاملات، عامل زمان یا به عبارتی طول مدت سکونت و آشنایی با مکان، در افزایش دلبستگی به مکان نقش دارد. عامل زمان در بزرگسالان و کودکان به عنوان عاملی تعیین کننده در میزان دلبستگی به مکان مطرح گردیده است. حضور و مشارکت افراد در فرایند طراحی و ساخت مکان سبب می گردد تا آنها احساس بیشتر و بهتری نسبت به مکان داشته باشند. این امر، دلبستگی به مکان، توسعه ارتباطات اجتماعی، حفظ ریشه های تاریخی، احساس آرامش و امنیت در مکان و همان پیشرفت سرمایه اجتماعی را در پی دارد (دانشپور، ۱۳۸۸).

**دیدگاه اجتماع گرایی:** در دیدگاه اجتماع گرایی، سرمایه اجتماعی با سازمان های محلی چون باشگاه ها، انجمن ها، و گروه های مدنی برابر انگاشته می شود و سازمانهای محلی چون کلوب ها، مؤسسات و گروه های شهری را بستر ایجاد سرمایه اجتماعی



می داند. اجتماع گرایان، که نگاهشان به تعداد و فشردگی این گروه ها در اجتماع معطوف است، بر این عقیده اند که سرمایه اجتماعی ذاتاً خیر است و مقدار بیشتر آن بر اجتماع اثر مثبت دارد. (غیاثوند ۱۳۸۸، ص ۱۴). برطبق این دیدگاه که مکان و فضا را مانند باشگاه ها، انجمن ها و کلوب ها و دیگر فضاهای شهری را بستر ایجاد سرمایه اجتماعی می دانند به این معنی که حضور در فضاها و اجتماعات و فضاهای عمومی شهری که می تواند حاصل بازآفرینی شهری باشد تعاملات و ارتباطات افراد شکل گرفته و سرمایه اجتماعی به این سبب ایجاد و تقویت شده و در نهایت توسعه می یابد.

**دیدگاه شبکه ای:** در این دیدگاه، سعی می شود هر دو جنبه مثبت و منفی سرمایه اجتماعی در نظر گرفته شود؛ همچنین بر اهمیت پیوندهای عمودی و افقی بین مردم و روابط درونی و فی مابین این قبیل هویت های سازمانی، به عنوان گروه ها و بنگاه ها، تأکید شود. در این الگو، پیوندهای نیرومند درون اجتماعی به خانواده ها و اجتماعات حس هویت و مقصد مشترک می دهد، ولی پیوندهای قوی افقی، بدون پیوندهای ضعیف اجتماعی، از قبیل پیوندهایی که شکاف های گوناگون اجتماعی مبتنی بر دین، طبقه، قومیت، جنسیت، و شئون که موقعیت اجتماعی و اقتصادی را می نوردند، ممکن است مبنایی برای پی جویی منافع فرقه ای در آیند (همان ۱۵). با تکیه بر این دیدگاه می توان ادعا کرد افرادی که در پیوند اجتماعی هستند حس هویت مشترکی را دارا می باشند و این پیوندها که بعنوان گروه ها و اجتماعات شناخته می شود در بستری از مکان و فضا شکل می گیرد و چون از پیوند های نیرومند اجتماعی صحبت می کند، فضاهای عمومی را شامل می شود که افراد به گفتگو و مراودات با یکدیگر می پردازند که این شامل فضاهای عمومی شهری نیز می شود که با ایجاد و بازآفرینی این فضاها محیطی مناسب برای ایجاد تعاملات و ارتباطات بین افراد فارغ از تفاوت های اجتماعی، دینی و یا اقتصادی فراهم می شود و در نهایت مشارکت شهروندی در شبکه اجتماعی باعث مشارکت و توسعه اجتماعی می شود.

### روش شناسی

در پژوهش حاضر از دو روش توصیفی و تحلیلی به صورت توأمان استفاده شده است. در بخش دیدگاه های نظری و مروری بر مطالعات پیشین، روش توصیفی به کار گرفته شد. برای دستیابی به روابط علی و شناخت همبستگی و روابط بین متغیرها و شاخص ها، از روش تحلیلی استفاده شده است. در این مرحله، ابتدا داده های مورد نیاز با استفاده از روش مطالعاتی پیمایشی و از طریق تکنیک پرسشنامه (دو پرسشنامه محقق ساخته)، از جامعه آماری منتخب جمع آوری شده است پرسشنامه توسعه سرمایه اجتماعی دارای ۲۰ سنجه می باشد که از این تعداد ۷ سنجه برای بعد مشارکت اجتماعی، ۶ سنجه برای مشارکت مدنی و ۷ سنجه برای بعد اعتماد در نظر گرفته شده است و همچنین پرسشنامه بازآفرینی شهری دارای ۱۳ سنجه می باشد که در هر دو پرسشنامه گویه ها در طیف پنج درجه ای لیکرت به ترتیب (۱) کاملاً موافقم (۲) موافقم (۳) نظری ندارم (۴) مخالفم (۵) کاملاً موافقم، طراحی شده است. پس از دسته بندی و استخراج، با روش های معمول آماری و استفاده از نرم افزار SPSS، مورد سنجش و تحلیل دقیق علمی قرار گرفتند. جامعه آماری این تحقیق، با مصاحبه از افراد بالای ۱۸ تا ۶۰ سال، با اشکال مختلف اشغال فضا مانند استفاده، سکونت و کار در پیاده راه عالی قاپو، خیابان شیخ صفی اردبیل انتخاب شده است. برای تحدید جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش، تعداد ۱۳۰ پرسشنامه که در ساعات مختلف شبانه روز و به شکل بی طرفانه در روزهای مختلف هفته و در فصول بهار و تابستان سال ۹۹-۱۳۹۸، میان محدوده مداخله بین پرسش شوندگان توزیع شده، نتایج حاصله مورد سنجش قرار گرفتند. انتخاب ۱۳۰ نمونه با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی صورت گرفته است. جهت تشخیص پایایی پرسشنامه ها از آلفای کرونباخ استفاده شد، که آلفای کرونباخ برای پرسشنامه بازآفرینی شهری ۰/۷۶۶ و آلفای کرونباخ برای پرسشنامه سرمایه اجتماعی ۰/۸۰۶ به دست آمد، که با توجه به آن می توان نتیجه گرفت هر دو پرسشنامه از قابلیت اعتماد و به عبارت دیگر از پایایی مطلوبی برخوردارند.

### یافته های تحقیق و نتایج آمار استنباطی

ارتباط بین متغیر های بازآفرینی شهری و توسعه سرمایه اجتماعی و ابعاد آن مورد مطالعه و مسئله اصلی پژوهش حاضر می باشد . که نتایج آن با استفاده از آزمون آماری ضریب همبستگی پیرسون به دست آمده است که در ادامه یافته ها با اثبات درستی فرضیه ها به آن می پردازیم.

جدول (۱): آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین بازآفرینی شهری و مولفه توسعه سرمایه اجتماعی

		بازآفرینی شهری	سرمایه اجتماعی
بازآفرینی شهری	همبستگی پیرسون	۱	**۰/۳۰۹
	Sig.		۰/۰۰۰
	N	۱۳۰	۱۳۰
سرمایه اجتماعی	همبستگی پیرسون	**۰/۳۰۹	۱
	Sig.	۰/۰۰۰	
	N	۱۳۰	۱۳۰

فرضیه اول: به نظر می رسد بین بازآفرینی شهری و سرمایه اجتماعی رابطه وجود دارد.

در این قسمت از تحقیق فرضیه های تحقیق را با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون بررسی کردیم در جدول شماره (۱) خلاصه نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین بازآفرینی شهری و سرمایه اجتماعی نمایش داده شده است. پس از انجام آزمون مربوط در سطح اطمینان ۹۹ درصد و  $p\text{-value}=0/000$  برای این آزمون و فرضیه به دست آمد، بنابراین ، فرضیه صفر را رد می کنیم و فرض مقابل را، مبنی بر وجود رابطه بین دو متغیر را می پذیریم، با تکیه بر این نتیجه می توان گفت، رابطه مثبت و معنا داری بین بازآفرینی شهری و سرمایه اجتماعی وجود دارد. به این معنی که با افزایش بازآفرینی شهری، سرمایه اجتماعی نیز پیشرفت و افزایش می یابد.

جدول (۲): آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین بازآفرینی شهری و مولفه مشارکت اجتماعی

		بازآفرینی شهری	مشارکت اجتماعی
بازآفرینی شهری	همبستگی پیرسون	۱	*۰/۱۸۸
	Sig.		۰/۰۳۲
	N	۱۳۰	۱۳۰
مشارکت اجتماعی	همبستگی پیرسون	*۰/۱۸۸	۱
	Sig.	۰/۰۳۲	
	N	۱۳۰	۱

فرضیه دوم: به نظر می رسد بین بازآفرینی شهری و مشارکت اجتماعی رابطه وجود دارد.

در جدول شماره (۲) یافته های حاصل از آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین بازآفرینی شهری و بعد مشارکت اجتماعی نمایش داده شده است. پس از انجام آزمون مربوط در سطح اطمینان ۹۵ درصد و  $p\text{-value}=0/03$  برای این آزمون و فرضیه به دست آمد، بنابراین ، فرضیه صفر را رد می کنیم و فرض مقابل را، مبنی بر وجود رابطه بین دو متغیر را می پذیریم، با تکیه بر این نتیجه می توان گفت، رابطه مثبت و معنا داری بین بازآفرینی شهری و مشارکت اجتماعی وجود دارد. به این معنی که با ایجاد بازآفرینی شهری، مشارکت اجتماعی در بین افراد نیز افزایش می یابد.

جدول (۳): آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین بازآفرینی شهری و مولفه تعاون

		بازآفرینی شهری	تعاون
بازآفرینی شهری	همبستگی پیرسون	۱	*۰/۲۱۶
	Sig.		۰/۰۱۳

	N	۱۳۰	۱۳۰
تعاون	همبستگی پیرسون	*۰/۲۱۶	۱
	Sig.	۰/۰۱۳	
	N	۱۳۰	۱۳۰

فرضیه سوم: به نظر می رسد بین بازآفرینی شهری و تعاون و مشارکت مدنی رابطه وجود دارد.

در جدول شماره (۳) یافته های حاصل از آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین بازآفرینی شهری و بعد تعاون نمایش داده شده است. پس از انجام آزمون مربوط در سطح اطمینان ۹۵ درصد و  $p\text{-value}=0/01$  برای این آزمون و فرضیه به دست آمد، بنابراین، فرضیه صفر را رد می کنیم و فرض مقابل را، مبنی بر وجود رابطه بین دو متغیر را می پذیریم، با تکیه بر این نتیجه می توان گفت، رابطه مثبت و معناداری بین بازآفرینی شهری و تعاون وجود دارد. به این معنی که با تقویت بازآفرینی شهری، تعاون و مشارکت مدنی در بین افراد جامعه نیز افزایش می یابد.

جدول (۴): آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین بازآفرینی شهری و مؤلفه اعتماد

		بازآفرینی شهری	اعتماد
بازآفرینی شهری	همبستگی پیرسون	۱	**۰/۲۸۹
	Sig.		۰/۰۰۱
	N	۱۳۰	۱۳۰
اعتماد	همبستگی پیرسون	**۰/۲۸۹	۱
	Sig.	۰/۰۰۱	
	N	۱۳۰	۱۳۰

فرضیه چهارم: به نظر می رسد بین بازآفرینی شهری و بعد اعتماد رابطه وجود دارد.

در جدول شماره (۴) یافته های حاصل از آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین بازآفرینی شهری و بعد اعتماد نمایش داده شده است. پس از انجام آزمون مربوط در سطح اطمینان ۹۹ درصد و  $p\text{-value}=0/00$  برای این آزمون و فرضیه به دست آمد، بنابراین، فرضیه صفر را رد می کنیم و فرض مقابل را، مبنی بر وجود رابطه بین دو متغیر را می پذیریم، با تکیه بر این نتیجه می توان گفت، رابطه مثبت و معناداری بین بازآفرینی شهری و مؤلفه اعتماد وجود دارد. به این معنی که با افزایش بازآفرینی شهری، اعتماد در بین افراد جامعه نیز افزایش می یابد. نتیجه این آزمون به سؤالات تحقیق نیز مبنی بر وجود رابطه بین متغیرهای پژوهش نیز پاسخ مثبت می دهد.

### نتیجه گیری

همانگونه که ذکر شد بازآفرینی شهری می تواند ابزاری مؤثر برای توسعه پایداری و تقویت سطح کیفیت زندگی باشد؛ چنانچه اصول تشویق به مشارکت ساخت شخصیت اجتماعی، پیشرفت عدالت، ارتقای محیط، حیات بخشی، تقویت، توسعه و رشد سرمایه های فیزیکی، انسانی، اجتماعی و نظایر آن قابل مشاهده باشند. مفهوم نوپای سرمایه اجتماعی با مولفه های وحدت بخشی همچون اعتماد، انسجام اجتماعی و مشارکت مرتبط است که از طریق ارزش ها و هنجارهای مشترک و شبکه های اعتمادبخش ایجاد و تقویت می شود و موجب پایداری حیات اجتماعی شده و به رشد و شکوفایی کشورها، اجتماعات و سازمان ها کمک می کند. سرمایه اجتماعی مجموعه هنجارهای موجود در سیستم های اجتماعی است که امکان ارتقای همکاری جمعی و گروهی اعضای آن جامعه و پایین آمدن هزینه های تبادلات و ارتباطات را فراهم می آورد. در دوران معاصر سرمایه اجتماعی به عنوان زیربنای ایجاد جامعه مدرن مطرح است که موجب ایجاد حس همکاری و همیاری و مشارکت میان اعضای جامعه می شود و شرط لازم برای توسعه نظام اجتماعی است. از سوی دیگر کاهش و افول سرمایه اجتماعی، باعث بروز آسیب های اجتماعی از جمله تبعیض، نابرابری، مهاجرت، عدم حس اعتماد عمومی، کاهش مشارکت اجتماعی و افول امور خیریه شده و سبب افزایش انحرافات و

شکاف بین نسلی می‌شود. در جامعه ای که فاقد سرمایه اجتماعی کافی است سایر سرمایه ها ابتر می مانند و تلف می شوند. از این رو موضوع سرمایه اجتماعی به عنوان یک اصل اساسی برای نیل به توسعه اجتماعی محسوب شده و حکومت ها و دولت مردانی موفق قلمداد می شوند که بتوانند با اتخاذ سیاست های لازم و ارائه راهکارهای مناسب در ارتباط با جامعه به تولید و توسعه سرمایه اجتماعی بیشتر نائل شوند. وجود سرمایه اجتماعی کلید استقرار جامعه مدنی و حیات شهروندی است و فقدان سرمایه اجتماعی مانع اساسی بر تأسیس و استقرار آن است. جوامع دارای این نوع سرمایه بستر مناسبی برای شکل گیری جامعه مدنی توانمند، پاسخ گو و کارآمد فراهم می سازند. اما در مقابل، تهی شدن یک جامعه از سرمایه اجتماعی به ناکارآمدی بسیاری از سیاست ها و طرح های پیشنهادی در حوزه برنامه ریزی منجر می شود. در شرایط کنونی نیازمند آن هستیم که با دوری از نگرش های تک بعدی به توسعه و در کنار هم قرار دادن دانش به دست آمده از رشته های مختلف، جامعه را به مثابه ی یک کلیت و نزدیک تر به واقعیت آن در نظر بگیریم؛ چرا که تغییر در یک بُعد بدون در نظر داشتن اثرات آن بر سایر ابعاد جامعه، در برخی موارد به بروز نتایج ناگواری منجر خواهد شد. در این میان به نظر می رسد اتخاذ رویکردی عام به مفهوم توسعه ی اجتماعی به معنای افزایش توانایی جوامع برای مواجهه با پیچیدگی های محیطی، می تواند راهگشا باشد. هدف کلی تحقیق حاضر بررسی و مطالعه تأثیر بازآفرینی شهری بر توسعه سرمایه اجتماعی به طور کلی و مطالعه پیاده راه عالی قاپوی اردبیل به طور خاص و به عنوان نمونه موردی می باشد. فرضیه محقق در این پژوهش مبنی بر وجود رابطه بین بازآفرینی شهری بر پیشرفت و ارتقای سرمایه اجتماعی بوده است. با توجه به یافته های به دست آمده، وجود رابطه مثبت و معنی دار بین متغیر مستقل بازآفرینی شهری و متغیر وابسته توسعه سرمایه اجتماعی تأیید شد. به این ترتیب که پس از انجام آزمون همبستگی پیرسون، و نتایج به دست آمده، فرضیه صفر رد و فرضیه محقق پذیرفته شد. به این معنی که با افزایش بازآفرینی شهری، سرمایه اجتماعی نیز توسعه می یابد. همچنین دیگر فرضیه تحقیق، که مدعی وجود رابطه بین بازآفرینی شهری بر ابعاد سرمایه اجتماعی (مشارکت اجتماعی، تعاون، اعتماد) بوده است نیز مورد تأیید قرار گرفت. و با توجه به این نتیجه، و تأیید رابطه مثبت و معنی دار می توان گفت با انجام بازآفرینی شهری مشارکت اجتماعی، تعاون و اعتماد که از شاخص های اصلی سرمایه اجتماعی می باشند، در بین افراد جامعه تقویت و افزایش و در نهایت توسعه می یابد. وجود رابطه بین متغیرها توسط نظرها و دیدگاه هایی که در تحقیق به آنها پرداخته شد، نیز تبیین گردید. از آنجا که بازآفرینی شهری هر گونه مرمت، نوسازی و بهسازی بافت ها و فضاهای کهنه و فرسوده شهری و خلق فضای شهری جدید و تبدیل آن ها به محیط ها و فضاهای مناسب، جهت ایجاد و برقراری ارتباطات، تعاملات و انعقاد کنش های اجتماعی را در اختیار همه شهروندان قرار می دهند، که این امر در مراحل بعدی موجب شکل گیری و تقویت و توسعه سرمایه اجتماعی می شود. پس با تکیه بر این نتیجه می توان گفت بازآفرینی پیاده راه عالی قاپو در خیابان شیخ صفی اردبیل می تواند به تقویت و توسعه سرمایه اجتماعی شهروندان اردبیلی کمک شایانی نماید.

## منابع

۱. آئینی، محمد، ۱۳۸۷، بازآفرینی بافت های فرسوده و نابسامان شهری، چالش ها، فرصت ها، پیشنهاد استراتژی های مناسب مداخله با استفاده از تکنیک سوات. همایش سیاست ها توسعه مسکن در ایران. جلد اول، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی - معاونت امور مسکن و ساختمان - دفتر برنامه ریزی اقتصاد مسکن.
۲. افروغ، عماد (1377)؛ فضا و نابرابری اجتماعی، ارائه الگویی برای جدایی گزینی فضایی و پیامدهای آن، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
۳. ایروانی، محمود و خدائاهی، محمد کریم (1371)، روانشناسی احساس و ادراک، تهران، انتشارات سمت.
۴. بنتلی، ای و همکاران، 1385، محیط های پاسخده، مترجم: مصطفی بهزادفر، چاپ دوم، تهران، مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت.
۵. پاکزاد، جهان‌شاه، ۱۳۸۴، راهنمای طراحی فضای شهری در ایران، تهران؛ شرکت طرح و نشر پیام سیما.
۶. پاکزاد، جهان‌شاه، ۱۳۸۶، سیر اندیشه ها در شهرسازی ۲؛ از کمیّت تا کیفیت، تهران؛ شرکت عمران شهرهای جدید.

۷. جینکوبز، جین، ۱۳۸۶، مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی، ترجمه: حمیدرضا باری و آرزو افلاطونی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۸. حبیبی، سیدمحسن، ۱۳۷۹، جامعه مدنی و حیات شهری، مجله هنرهای زیبا، تهران، شماره ۷.
۹. دانشپور، ع، چرخیان، م، فضای عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی، فصلنامه علمی-پژوهشی هنر معماری و شهرسازی نظر، شماره ۷ بهار و تابستان ۱۳۸۶.
۱۰. رزانی، محسن، تحقیقی، امیر حسین، مجله: پژوهشنامه حقوق اسلامی؛ تابستان و پاییز ۱۳۸۲ - شماره ۱۱ و ۱۲.
۱۱. رستمی شهربابکی، حمداله، (۱۳۸۹)، **تعاون و سرمایه اجتماعی**، ناشر: فرهنگ دهخدا، چاپاول.
۱۲. عبداللهی، مجید. (1389) بررسی نظری مفهوم محله و بازتعریف آن، نشریه پژوهشهای جغرافیایی انسانی، تهران.
۱۳. غیاثوند، الهام. (1388) تأثیر سرمایه های اجتماعی بر کیفیت ساکنان محلات شهری، فصلنامه مهندس مشاور، شماره 45، صص 22.
۱۴. فتحی نیا، محمد و رقیه حاج محمدیاری ۱۳۸۵ "سرمایه اجتماعی، عوامل ایجاد و نتایج تحقق آن، مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران. تهران.
۱۵. فوکوما یا، فرانسیس، (۱۳۸۶) پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه ی غلام عباس توسلی، تهران: جهان امروز.
۱۶. قنبران، عبداحمید و مرضیه جعفری، ۱۳۹۳، بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای تعاملات اجتماعی در میان ساکنان محله مسکونی (نمونه موردی: محله درکه تهران)، نشریه علمی و پژوهشی انجمن معماری و شهرسازی ایران، دوره ۱، شماره ۷، صص ۶۴-۵۷.
۱۷. گروتی، زینب، زینب، ترجمه جهانناک پاکزاد و عبدالرضا همایون، تهران، دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۷۵.
۱۸. لنگ، جام، ۱۳۸۱. آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط داخلی، مترجم: علیرضا عینی فر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۹. ماجدی، سید مسعود، و لهسایی زاده، عبدالعلی ۱۳۸۵ بررسی رابطه بین متغیرهای زمینه ای، سرمایه اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی. روستا و توسع، ه دوره ۳، شماره ۴، صفحات ۳-۹۱.

1. Adler, P., & Kwon, S. (2000). Social capital: The good, The Bad and the Ugly. Boston: Butterworth-Heinemann Press.
2. Brown, d.l., and ashmand, d. (1996), participation, social capital, intersectoral problem solving: African and asian cases, world development, vol.24, no. 9. 1467-1479.
3. Brown, R. D., & Krager, L. (1985). Ethical issues in graduate education faculty and student responsibilities. Journal of Higher Education, 56(4).
4. Car, S. et al. (1992). Public Space. Massachusetts: Cambridge university press.
5. Cutter, S. L. (1985). Rating place: A geographer's view on quality of life. Resource Publication in Geography the Association Of American Geographers
6. Daneshpur, S. H., and Charkhchian, M., 2008, Public Spaces and Factors Affecting Collective Life, Garden view, Vol. 4, No. 7, PP. 19- 28. (In Persian)
7. Gaoteri, h. 1986. popular participation in development, in participation in development, Paris, vnesco, 80.
8. Gehl, Jan. (1987). Life between buildings. Translated by Koch, j. New York: Van Nostrand Reinhold
9. Habibi, K. (2007). Rehabilitation and reconstruction of old urban tissues (Ind Ed.). Urban Construction Organization and Kurdistan University Press.
10. Habibi, S., Maghsoodi, M. (2007). Urban Restoration (6nd Ed.). Tehran: Tehran University Press
11. Kay, A. (2005). Social Capital, the Social Economy and Community Development, Oxford University Press and Community, Development Journal, Advance Access
12. Lefebvre, Henri (1993) The Production of Space, translated by Donald Nicholson Smith, Oxford: Oxford University Press.
13. McDonald, S., Naglis, M., & vIida, M. (2009). Urban Regeneration for Communities: A Case Study. Baltic Journal on Sustianability. 15(1), 49-59.
14. Merrifield, Andy (2006) Henri Lefebvre: A Critical Introduction, London and New York: Routledge Taylor & Francis Group.
15. Marcus CC, Sarkissian W (1986). Housing as if People Mattered, Berkeley, University of California Press
16. Nahapiet, J., & Ghoshal, S. (1998). Social capital. Academy of Management Review, 23(2), 242-260.
17. Ng, M.K. (2005) Quality of life perceptions and directions for urban regeneration in Hong Kong Social Indicator Research 71: 441-465.
18. Paul s. Adler and Seok-Woo kwon (2002). Social capital: prospects for a new concept. Academy of Management Review. Vol. 27, No. 1, pp. 17-40.
19. Portes, a. 1998, social capital: its origins and applications in modern sociology, annual review of sociology, vol, 24.
20. Roberts, P., Sykes, H. (2000). Urban Regeneration: Handbook. London: Sage Publications.
21. Whyte W (1980). Social Life of Small Urban Space, Conservation Foundation